

The Civilizational Capacities of the Muslim World

Alireza Asadi¹

Assistant Professor, Center for Islamic Studies and Persian Literature, Isfahan University of Technology

Mohammad Bagher Khazaili²

PhD in history, researcher and university lecturer

Received: 2022/06/25 | Accepted: 2022/07/23

Abstract

One of the characteristics of the Islam which has appeared since its advent and during different periods is the capacity of establishing civilization. In addition to this inherent feature, the Muslim world also has significant civilizational capacities. The term "Islamic World" rather than expressing a geographical location, represents the identity of more than one and a half billion people who have a religion in common which links this huge and diverse population together. This huge population with its vast geographical area increases the capacity of civilization-making of the Islamic world. Therefore, this research tries to answer this question, 'what are the civilizational capacities of the Islamic world?' This study tries to identify and explain these capacities through a descriptive-analytical method.

Some of the civilizational capacities of the Islamic world are the mass of the population, the diaspora and vastness of the territory, intellectual and human knowledge, the power of communication and linguistic diversity, ummatism and universality, strategic location and abundant resources, the Islamic Revolution and the Islamic Republic, Hajj and Arbaeen Pilgrimage Gathering. Unfortunately, due to the dominance and influence of arrogance, corrupt and dependent governments, and the existence of disagreements in the Islamic world, these capacities have not been actualized well. Therefore, the best way to take advantage of these capacities is to converge, unite and move towards a new Islamic civilization.

Keywords: Modern Islamic Civilization; Islamic world; Islamic Ummah; identity; civilizational capacity.



1. **E-mail:** asadi5@iut.ac.ir

2. **E-mail:** m.khazaili@yahoo.com

ظرفیت های تمدنی جهان اسلام

علیرضا اسدی^۱

استادیار مرکز معارف اسلامی و ادبیات فارسی، دانشگاه صنعتی اصفهان

محمدباقر خزائیلی^۲

دکترای تاریخ، پژوهشگر و مدرس دانشگاه

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۴ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۱

چکیده

یکی از ویژگی های دین اسلام ظرفیت و قابلیت تمدن سازی آن است که از همان صدر اسلام در دوره های مختلف آشکار شده است. در کنار این ویژگی ذاتی، جهان اسلام نیز دارای ظرفیت های تمدنی قابل توجهی است. اصطلاح «جهان اسلام» بیش از آن که بیانگر یک موقعیت جغرافیایی باشد، معرف هویت بیش از یک و نیم میلیارد انسان است که دارای آئین و دینی مشترک هستند که این جمعیت عظیم و متفاوت را به یکدیگر پیوند می دهد. این جمعیت عظیم با وسعت جغرافیایی وسیع، ظرفیت تمدن سازی جهان اسلام را بیشتر می کند. لذا این پژوهش تلاش می کند به این پرسش پاسخ دهد که ظرفیت های تمدنی جهان اسلام چیست؟ این نوشتار با روش توصیفی-تحلیلی تلاش میکند، این ظرفیت ها را شناسایی و تبیین می کند.

برخی از ظرفیت های تمدنی جهان اسلام عبارت است از انبوه جمعیت، پراکندگی و وسعت سرزمینی، معارف عقلی و انسانی، توان ارتباطی و تنوع زبانی،

1. E-mail: asadi5@iut.ac.ir

2. E-mail: m.khazaili@yahoo.com

امت گرایی و جهان شمولی، موقعیت استراتژیک و منابع سرشار، انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی، مناسک حج و گردهمایی عظیم زیارت اربعین. پامنا متاسفانه به دلیل تسلط و نفوذ استکبار، حکومت های فاسد و وابسته و وجود اختلاف در جهان اسلام، از این ظرفیتها به خوبی استفاده نشده است. از این رو بهترین راه برای بهره گیری از این ظرفیت ها همگرایی، اتحاد و حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی است.

واژگان کلیدی

تمدن نوین اسلامی، جهان اسلام، امت اسلام، هویت، ظرفیت تمدنی.

مقدمه

اصطلاح «جهان اسلام» بیش از آن که بیانگر یک موقعیت جغرافیایی باشد، معرف هویت بیش از یک و نیم میلیارد انسان است که دارای آئین و دینی مشترک هستند که این جمعیت عظیم و متفاوت را همراه با ظرفیتها و قابلیت های بسیار زیادی به یکدیگر پیوند می دهد که ظرفیت تمدن سازی جهان اسلام را بیشتر می کند.

جهان اسلام یکی از مناطق حساس و استراتژیک در نظام ژئوپلیتیک در جهان است. ذخایر عظیم انرژی، دریاها و راه های ارتباطی و همچنین وسعت گسترده و جمعیت زیاد آن، این منطقه را به منطقه ای قانونی در معادلات سیاسی و ژئوپلیتیکی تبدیل کرده است. در جهان اسلام فرصت های گوناگونی وجود دارد به طوری که همگرایی در جهان اسلام این توانایی را دارد که ساختار قدرت جهانی را با تغییرات بنیادی مواجه کند. (احمدی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱)

با توجه به پیروزی انقلاب اسلامی ایران و بازتاب آن در کشورهای مسلمان و همچنین فروپاشی شوروی و عدم موفقیت آمریکا در ایجاد نظام تک قطبی، جهان اسلام از نقش و تأثیرگذاری مهم و بیشتری در جهان برخوردار شده است. و زمینه شکل گیری تمدن نوین اسلامی بیش از گذشته فراهم شده است.

با نمایش قدرت جهان اسلام، علی‌الخصوص از جایگاه فرهنگ، تمدن و هویت، در چند دهه گذشته و بویژه با پیروزی انقلاب اسلامی ایران که هدف خود را ایجاد تمدن نوین اسلامی می‌داند، بخش مهمی از معادلات جهانی، بلکه بسیاری از مسائل راهبردی نظم جهان، با هویت دنیای اسلام مرتبط شده است. بر این اساس در نظم در حال گذار موجود که قدرت تمدن غرب و لیبرالیسم رو به افول است، شناخت ظرفیتهای مهم دنیای اسلام، ضرورت بیشتری پیدا می‌کند. حضرت آیت الله خامنه‌ای در این زمینه می‌فرماید:

«امروز هدف هر مسلمان باید ایجاد تمدن اسلامی نوین باشد؛ ما امروز این را می‌خواهیم. ملت‌های اسلامی ظرفیتهای عظیمی دارند که اگر از این ظرفیتهای استفاده شود، امت اسلامی به اوج عزت خواهد رسید؛ ما باید به این بیندیشیم، به این فکر کنیم؛ ایجاد تمدن عظیم اسلامی، هدف نهایی ما است.» (بیانات: ۱۳۹۸/۶/۲۷)

پس از آنجا که حرکت انقلاب اسلامی به سمت ایجاد تمدن نوین اسلامی است بررسی و تبیین این قابلیت‌ها ضرورت بیشتری پیدا می‌کند. لذا این پژوهش تلاش می‌کند به این پرسش پاسخ دهد که ظرفیت‌های تمدنی جهان اسلام چیست؟ این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی تلاش میکند، این ظرفیت‌ها را شناسایی و تبیین کند.

تعریف مفاهیم

جهان اسلام: جهان اسلام به اصطلاح به کشورها و سرزمین‌هایی گفته می‌شود که پیشینه‌ی مردمان آن پیرو دین اسلام باشند. جهان اسلام در حال حاضر سرزمینی با ترکیبی متنوع از نظر ویژگی‌های انسانی و بسترها و شرایط اجتماعی را شامل می‌شود. (حافظ نیا، ۱۳۹۱: ۱۳۹) و به کل جمعیت مسلمانان جهان اعم از اکثریت ساکن در کشورهای اسلامی اقلیتهای مسلمان ساکن در سایر کشورهای جهان را جامعه اسلامی و یا امت اسلامی می‌نامیم.



تمدن: واژه تمدن از مدن گرفته شده و کلمه مدن جمع مدینه به معنای شهر و شهرنشینی ترجمه لاتین آن Civilisation نیز همین معنا را در بر می گیرد. معمولا تمدنها پس از یکجانشینی انسان ها و با ایجاد شهرها به وجود آمده است. لذا تمام تمدنهای عالی بشری از عهد باستان تا دوران معاصر دارای شهرهای مهمی بوده و یا در ذات خود باعث پیدایش و گسترش شهرها شده اند.

محققان دیدگاه واحدی را درباره تعریف تمدن ندارند و به صورتهای متفاوتی آن را تعریف نموده اند. ویل دورانت تمدن را خلاقیت فرهنگی می داند که در نتیجه وجود نظم اجتماعی و حکومت قانون و رفاه نسبی به وجود می آید و ابن خلدون نیز تمدن را محصول اجتماعی شدن انسان بیان می کند. (جهان بین فرزاد و معینی پور، ۱۳۹۳: ۳۲) خلاصه آنکه به مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی بشر در طول تاریخ که با تکیه بر اندیشه و اراده وی حاصل شده است، تمدن گفته می شود، یا به بیانی دیگر مجموعه اندوخته های مادی و معنوی بشر در یک جامعه تصور یافته است. تمام آنچه را که بشر در طی قرون متمادی با کمک اندیشه و اراده بدست آورده تمدن است، چه این که این دستاوردها مادی باشد یا معنوی تفاوتی نمی کند. (عباسی و خزائیلی، ۱۴۰۱: ۶)

تمدن اسلامی: حضرت آیت الله خامنه ای در تعریف تمدن اسلامی می فرمایند: «تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی میتواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد؛ زندگی خوبی داشته باشد، زندگی عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت؛ تمدن اسلامی یعنی این؛ هدف نظام جمهوری اسلامی و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است.» (بیانات: ۱۳۹۲/۶/۱۴) از منظر ایشان شاخصه اصلی و عمومی تمدن اسلامی، بهره مندی انسانها از همه ی ظرفیتهای مادی و معنوی ای است

که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود آنان تعبیه کرده است. و معتقدند تمدن اسلامی میتواند با شاخصه‌های ایمان و علم و اخلاق و مجاهدت مداوم، اندیشه‌ی پیشرفته و اخلاق والا را به امت اسلامی و به همه‌ی بشریت هدیه دهد و نقطه‌ی رهائی از جهان‌بینی مادی و ظالمانه و اخلاق به لجن کشیده‌ای که ارکان تمدن امروزی‌گریند، باشد. (بیانات: ۱۳۹۲/۲/۹)

ظرفیت‌ها و قابلیت‌های تمدنی جهان اسلام

با توجه به اهمیت بهره برداری از ظرفیتهای موجود جهان اسلام برای رسیدن به وحدت امت اسلامی و ایجاد تمدن نوین اسلامی، فهم مزیت‌های نسبی و ظرفیتهای بالقوه در میان کشورهای اسلامی ضروری است. حضرت آیت الله خامنه‌ای نیز در شناخت و استفاده از این ظرفیت‌ها تأکید ویژه‌ای دارند:

«اگر ظرفیتهای کشورهای اسلامی - ظرفیت عراق، ظرفیت ایران، ظرفیت کشورهای دیگر منطقه‌ی غرب آسیا و شمال آفریقا - بر روی هم مجتمع بشود، اگر این ظرفیتهای هم برسند، این دستها در هم گره بخورند، آن وقت امت اسلامی نشان خواهد داد که عزت الهی یعنی چه؛ تمدن عظیم اسلامی را به جوامع عالم نشان خواهند داد؛ باید هدف ما این باشد و این راه‌پیمایی اربعین میتواند یک وسیله‌ی گویایی برای تحقق این هدف باشد.» (بیانات: ۱۳۹۸/۶/۲۷)

جهان اسلام دارای ویژگیها و ظرفیتهایی است که آن را به عنوان یک نیروی تأثیرگذار در نظام جهانی و شکل دهنده معادلات بین‌المللی ارتقاء داده است. برخی از صاحب‌نظران معتقدند جهان پس از فروپاشی نظام دو قطبی که بر مبنای واحدهای سیاسی قدرتمند بوده، جای خود را به واحدهای تمدنی داده و تمدنها یا فرهنگها بازیگران اصلی سیاست بین‌الملل را تشکیل میدهند. بر این اساس میتوان نتیجه گرفت که تمدن اسلامی از جایگاه ویژه‌ای در تحولات نوین جهانی برخوردار است. (کاظم پور و معدنی، ۱۳۹۸: ۷۹)



کشورهای اسلامی به طور عمده در سه قاره کره زمین قرار گرفته که همین موضوع سبب همسایگی با جهان مسیحیت در غرب و بودا و هندو در شرق گردیده است. از سوی دیگر این پراکندگی باعث شده بدنه اصلی جهان اسلام در مسیر ارتباطی خشکی و آبی بین دنیای شرق و غرب قرار گرفته و چون پلی حلقه اتصال شرق و غرب محسوب شود، در این میان واقع شدن تنگه های راهبردی در بین کشورهای اسلامی، این اهمیت راهبردی را چند برابر ساخته است. جهان اسلام که نقطه مرکزی آن در منطقه جنوب غرب آسیا واقع شده است از جمله تمدنی است که از ظرفیتهای ژئواستراتژیک، ژئوکالچر، ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک فوقالعادهای برخوردار بوده که میتواند آن را در معادلات و مناسبات بین‌المللی در جایگاه شایسته ای قرار دهد و وضعیت آن را ارتقاء دهد (کاظم پور و معدنی، ۱۳۹۸: ۷۶) برخی ظرفیتهای متعدد جهان اسلام به شرح ذیل است.

۱- انبوه جمعیت و پراکندگی

هویت جهان اسلام با داشتن بیش از یک پنجم جمعیت جهان، ۵۷ کشور و سرزمین های وسیعی که از شرق آسیا تا غرب آفریقا گسترده شده است، مجموعه متنوع و در عین حال توانمندی را تشکیل می دهد که به ویژه در دهه های اخیر به مثابه یک هویت واحد مطرح شده است. اصطلاح «جهان اسلام» بیش از آن که بیانگر یک موقعیت جغرافیایی باشد، معرف هویت بیش از یک و نیم میلیارد انسان است که دارای آئین و دینی مشترک هستند. آنچه که این جمعیت عظیم را علی رغم اختلافات نژادی، قومی و زبانی به یکدیگر پیوند می دهد، اعتقادات مشترک آنها نسبت به خدای واحد، قبله واحد، قرآن یگانه، پیامبر گرامی اسلام (ص) و دستورات و احکامی است که خداوند توسط پیامبر اکرم (ص)، اهل بیت (ع) و اصحاب ایشان آنها را تبیین کرده است. (عباسی و خزائیلی، ۱۴۰۱: ۲۵۱)

جهان اسلام یکی از قطبهای جمعیتی جهان محسوب می شود و با استفاده

مناسب از این نیروی انسانی عظیم، می توان در جهت تقویت جهان اسلام و تسریع روند همگرایی در آن بهره برد. حدود ۵۳ درصد مسلمانان در آسیا، ۲۴ درصد در آفریقا و ۲۳ درصد در سایر قاره ها زندگی می کنند. یکی از نکات قابل توجه که قدرت جهان اسلام را بیشتر می کند این است که بیش از ۳۰۰ میلیون نفر از مسلمانان در کشورهای زندگی می کنند که اکثریت آنها غیر مسلمان هستند. (آقای و حسینی، ۱۳۹۳: ۵۴)

۲- وسعت سرزمین و موقعیت ژئوپلتیک

از لحاظ جغرافیایی می توان گفت پیروان اسلام در قاره های مختلف جهان حضور دارند و جهان اسلام وسعت قابل ملاحظه ای از کره خاکی را در بر می گیرد. گستره آن حدود یازده هزار کیلومتر طول جغرافیایی، از غربی ترین نقطه در شمال آفریقا تا جزایر جاوه اندونزی و حدود شش هزار کیلومتر عرض جغرافیایی، از شمال قزاقستان تا جنوب سودان را در بر می گیرد. قاره آسیا بیش از یک میلیارد از مسلمانان جهان را در خود جای داده است. حدود ۳۹۰ میلیون مسلمان ساکن آفریقا هستند. بیش از ۲۰ میلیون مسلمان در اروپا و بیش از ۲۷ میلیون مسلمان نیز در روسیه به سر می برند. همچنین حدود یک و نیم میلیون مسلمان در آمریکای لاتین و ۹ میلیون مسلمان در آمریکا و کانادا زندگی می کنند. پر جمعیت ترین کشور اسلامی اندونزی و کم جمعیت ترین آنها مالدیو است. (گلی زواره، ۱۳۹۰: ۱۶۱-۱۶۵)

اغلب کشورهای اسلامی از استراتژیکترین نقاط جهان و در مناطق حساس ژئوپلتیکی و از جمله مناطق ارتباطی، تنگه های آبی، خلیج ها و دریا های حساس جهان توزیع شده مناطقی نظیر: تنگه های باب المندب، جبل الطارق، هرمز، بسفر و داردانل، کانال سوئز و تنگه موزامبیک، خلیج های فارس، مالاکا، عدن، توگو، بنگال، سرت، تونس، اسکندرون ترکیه، مصر، منطقه قفقاز، سرزمین فلسطین، ناحیه آسیای میانه و.. که جزء مهمترین نقاط حساس جهان هستند. (موستوفی



الممالک، ۱۳۸۱: ۱۶۳-۱۶۴)

۳- منابع و معادن سرشار و استراتژیک

علاوه بر ویژگی جمعیتی، به لحاظ جغرافیایی، زیست محیطی و ذخایر طبیعی نیز سرزمین های اسلامی در شمار غنی ترین مناطق کره زمین به شمار می روند. امکانات و ویژگی های این سرزمین ها باعث شده است تا طی قرنهای متمادی، جهان اسلام نقش بسیار مهم و تأثیرگذاری در صحنه روابط بین الملل ایفا کند. کشورهای اسلامی بیش از ۷۵ درصد منابع انرژی جهان را که ماده حیاتی نظام صنعتی به شمار می آید، در اختیار دارند. با توجه به رو به کاهش بودن منابع هیدروکربنی انرژی در سایر حوزه ها، منطقه خلیج فارس به علت دارا بودن منابع عظیم انرژی همچنان مورد توجه جدی اقتصاد جهانی است. همچنین به لحاظ جغرافیایی و استراتژیکی نیز کشورهای اسلامی بر بسیاری از دریاها و آبراه های بزرگ مانند خلیج فارس، تنگه هرمز، دریای سرخ و کانال سوئز تسلط دارند. (گلی زواره، ۱۳۹۰: ۱۶۸-۱۶۹)

جهان اسلام در حال حاضر بیش از نیمی از نفت و گاز مورد نیاز جهان و مخصوصاً دولتهای غربی و صنعتی را تأمین می کند. ۷۵ درصد کل ذخایر نفت و ۵۰ درصد کل ذخایر گاز جهان را در اختیار دارد ولی متأسفانه آنطور که شاید و باید از وجود این نعمت الهی به عنوان یک امتیاز مهم در معادلات اقتصادی و سیاسی جهان استفاده نمی کند. منطقه خاورمیانه به عنوان بزرگترین مخزن انرژی در جهان، نقطه قوت دنیای اسلام است. اوپک سازمان یافته ترین سازمان نفتی جهان که بیش از ۴۰ درصد تولید نفت جهان و درصد از ذخایر اثباتشده نفت جهان را دارد سازمانی است که عمده ترین اعضای آن از کشورهای اسلامی اند. (جهان بین و پرتو،

۱۳۹۴: ۱۵۷)

در سال ۲۰۰۸، به پیشنهاد رهبر جمهوری اسلامی ایران «سازمان کشورهای

صادرکننده گاز» که به اوپک گازی معروف شد با عضویت ۱۱ کشور و با تعیین شهر دوحه به عنوان مقر خود رسماً آغاز به کار کرد. اگر چه این سازمان دارای ماهیتی اقتصادی و تجاری است، اما بسیاری از صاحب نظران شکل گیری اوپک گازی را مقدمه ای برای تحول در ساختار ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک جهان می دانند. از همین روست که اروپا و آمریکا که از بزرگ ترین مصرف کنندگان گاز طبیعی محسوب می شوند، شکل گیری این سازمان را از منظر خود تهدیدی بر امنیت انرژی و دست یابی آسان به گاز طبیعی می دانند و به شدت با آن مخالف هستند. در این میان، نکته حائز اهمیت این است که اکثریت اعضای این سازمان را کشورهای اسلامی تشکیل می دهند، به طوری که کشورهای ایران، قطر، اندونزی، بروئی، الجزایر، لیبی، مصر، نیجریه و قزاقستان (ناظر) ۹ عضو از ۱۳ عضو (۱۱ عضو اصلی و ۲ عضو ناظر) را به خود اختصاص داده اند. ضمن این که با پیوستن کشورهای ترکمنستان، مالزی، ازبکستان، موریتانی، مالی سهم کشورهای اسلامی در این سازمان بیش تر و پررنگ تر خواهد شد. اهمیت روزافزون گاز به عنوان یک منبع انرژی پاک، وابستگی اقتصادی غرب و به خصوص اروپا به گاز صادراتی این سازمان، تأثیرپذیری صنایع نظامی و دفاعی غرب از تحولات بازار گاز، تغییر نقشه ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی جهان و کم رنگ شدن نقش آمریکا و غرب در اقتصاد جهانی، افزایش قدرت مانور و چانه زنی اعضای سازمان به خصوص روسیه و ایران در برابر غرب و آمریکا، ایجاد زمینه برای هم گرایی بیش تر کشورهای عضو سازمان و ... از جمله فرصت های مناسبی است که به اعتقاد کارشناسان باعث افزایش وزن ژئوپلیتیک کشورهای عضو به خصوص کشورهای اسلامی در برابر غرب و آمریکا خواهد شد. (زرقانی و دبیری، ۱۳۹۲: ۷۰)

بر این اساس در عرصه تولید انرژی و نفت که به مثابه خون در رگهای جهان کنونی است؛ جهان اسلام نقش قلب جهانی را داراست و قطعاً این نقش مهم قابل اغماض نیست. میزان بالای ذخایر انرژی در دنیای اسلام میتواند لازمه شکل



گیری قطب اقتصادی باشد تا با تشدید رفتارهای همگرایانه، زمینه ساز نزدیکی بیشتر کشورهای اسلامی و سپس ایفای نقش قطبی در جهان آینده گردد.

۴- معارف عقلی و انسانی

عقلانیت و منطق در تفسیر عالم و زندگی و نیز در تبیین رابطه خالق و مخلوق، هم چنین عقلانیت و واقع نگری در مسائل اجتماعی، اسلام را بعنوان قدرتی بلامنازع در مناظره ها و گفتگوها مطرح نموده است و این مزیت می تواند در معرفی و اثبات ویژگی های ممتاز و حقانی مسلمانان در جهان امروز بسیار مؤثر باشد. بشر امروز نیازمند و در عین حال در جستجوی حقایق زندگی این جهان است و اسلام توان و منابع پاسخ گویی مستدل و منطقی به پرسش های بی شمار انسان حیران امروز را در اختیار دارد. همچنین اسلام به عنوان یکی از مهمترین ادیان آسمانی، رساترین معارف و قوانین را در خصوص حقوق بشر در خود جای داده است. این دین رابطه مسالمت آمیزی با سایر ادیان دارد و از ظرفیت همزیستی مسالمت آمیز بالایی برخوردار می باشد.

حضرت آیت الله خامنه ای معتقدند تمدن اسلامی به برکت حرکت علمی که از روز اول در اسلام شروع شد، به وجود آمد. (بیانات: ۱۳۸۳/۷/۵) به دلیل تأکیدی که دین مبین اسلام بر کسب علم و دانش دارد، مسلمانان در چندین قرن پس از بعثت پیامبر گرامی اسلام فراگیری علم را چنان در دستور کار خود قرار دادند که در اندک زمانی، توانستند دروازه های علوم و فنون را فتح کنند و در روزگاری که غرب در عصر تاریکی به سر می برد، این اندیشمندان مسلمان بودند که به کشفیات نوینی در عرصه های علمی دست یافتند و آرام آرام این حرکت علمی مسلمانان تا آندلس و قلب اروپا پیش رفت. اندیشمندان غربی از دستاوردهای علمی مسلمانان بهره گرفتند و توانستند پایه های تمدن امروز خویش را با استفاده از کشفیات و تولیدات علمی جهان اسلام بنا نمایند.

امروزه نیز مراکز مختلف و متنوع علمی و پژوهشی در کشورهای اسلامی و وجود شبکه روحانیون و علمای شیعه و اهل سنت یکی از ظرفیت‌های قابل توجه در رشد و ایجاد تمدن اسلامی است.

۵- توان ارتباطی و تنوع زبانی

به دلیل وسعت سرزمین‌های اسلامی و میلیون‌ها مسلمانی که در نقاط مختلف جهان زندگی می‌کنند، تنوع زبانی در جهان اسلام فراوان است و به همین جهت اسلام با تمامی ساکنان کره زمین با هر زبان و گویشی توان ارتباط و مفاهمه دارد. البته زبان‌های عربی، فارسی و ترکی از زبان‌های پر مخاطب و مهم در جهان اسلام محسوب می‌شوند. همچنین تعداد زیادی از مسلمانان در کشورهای پاکستان و هند به زبان اردو تکلم می‌کنند و نیز حدود ۱۴ درصد از جمعیت مسلمانان که در کشورهای اندونزی و مالزی زندگی می‌کنند، به زبان مالایی سخن می‌گویند. (عباسی و خزائلی، ۱۴۰۱: ۲۵۲)

علاوه بر این، در کنار کشورهای اسلامی، کشورهایی وجود دارند که مسلمانان به صورت اقلیت در آنها حضور دارند. در این خصوص، برخی نظیر مسلمانان چین و بالکان از قرن‌ها پیش در این مناطق ساکن بوده‌اند و گروهی دیگر از مسلمانان نیز به صورت مهاجر در کشورهای اروپایی و آمریکایی زندگی می‌کنند.

۶- امت‌گرایی: جهان‌شمولی و فرا‌قومی، فرا‌زبانی و فرا‌جغرافیایی و

یکی از امتیازات مهم مکتب اسلام که در آیات قرآنی و روایات اسلامی به آن اشاره و تاکید شده، این است که اسلام منحصر به قوم، زبان، ملیت و جغرافیای خاصی نیست و هیچ قومی را برتر از اقوام دیگر نمی‌داند (حجرات، آیه ۱۳) و لذا دین جهانی به شمار می‌آید. از همین رو ملل مسلمان از نژادهای مختلف تشکیل شده‌اند. در ۱۹ کشور اسلامی، اکثریت با نژاد سامی و عرب است. البته اقلیتهای دیگر نژادی نظیر کردها نیز در کشورهای عراق، سوریه، ترکیه و ایران حضور دارند. در کشورهای آفریقایی عرب زبان نیز جمعیت‌های بربر دیده می‌شود. در میان



کشورهای مسلمان قاره آفریقا ۱۱ کشور دارای اکثریت سیاه پوست هستند. خاستگاه نژادی برخی از مسلمانان که در آسیا زندگی می کنند، زرد است و شامل تیره هایی نظیر مغولی تاتار، زرد مالایی و زرد اندونزیایی می باشند. همان گونه که منشأ نژادی ایرانی ها، افغان ها و تاجیکها، آریایی است و مردم پاکستان از نژاد سفید و تیره های سند و پنجابی هستند.

یک از ظرفیتهای قابل توجه در جهان اسلام، توجه و اعتقاد به امت اسلامی و تلاش برای وحدت مسلمانان است. این اندیشه تحت تاثیر انقلاب اسلامی ایران بسیار گسترش پیدا کرده است. در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی عنصر و مؤلفه اصیل و اساسی در ایجاد هویت، عناصر اعتقادی و فرهنگی هستند، آیت الله خامنه ای برای همه مسلمانان جهان علاوه بر هویت ملی و فرقه ای، هویتی کلان تر و فراملیتی، به نام امت اسلامی قائلند؛ که مجموعه و واحدی بزرگ تر از ملت است که بر اساس آرمانها و اهداف مشترک دنیای اسلام شکل می گیرد. (بیانات، ۱۳۸۶/۹/۱۴) و هویت های دیگر نیز تا حدی مورد قبول است که در تضاد با این هویت اسلامی قرار نگیرد. (رک: بیانات، ۱۳۶۸/۰۴/۲۲ و ۱۳۷۳/۱۲/۱۱)

«ما مخالفتی نداریم که هر قومی، خصوصیات و اختصاصات کشور و ملت خود را، تحت عنوان ملیت برای خودش حفظ کند. اما تا حدی که یکپارچگی امت اسلامی خدشه دار نشود. این مقدم است؛ این مهم است؛ این در دنیا منشأ اثر است.» (بیانات، ۱۳۷۲/۱۲/۲۲) «وحدت بالاتر، بعد از وحدت میان آحاد یک کشور و یک ملت: وحدت امت اسلامی است.» (بیانات، ۱۳۷۱/۰۶/۲۴)

۷- انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی

تمدن اسلامی در سده های مختلف با فراز و فرودهای زیادی همراه بوده است ولی مفاهیم عمیق و تأثیر گذارش توانسته پویایی و زبایی آن را در برهه های

مختلف زمان حفظ نماید. زایش و تولد انقلاب اسلامی نیز بر همین مبنا بوده است که با تأکید بر روش‌ها و قواعد ناب اسلامی و به کارگیری آن، روحی دوباره در پیشروندگی و تکامل تمدن اسلامی بیخشد.

وضعیت جهان اسلام، در چند قرن اخیر، با توجه به سلطه تمدن غرب و زوال تمدن اسلامی، می‌رفت که به جذب تمدن اسلامی در تمدن غرب بینجامد، و فرهنگ اسلامی، باورها، ارزشها و قوانین، همچنین علوم اسلامی و سرمایه‌های معنوی اسلام در برابر فرهنگ سکولار غربی، رنگ ببازد. به موازات واکنش‌های انفعالی در برابر فرهنگ غرب، جریان نواندیش دینی روحانیت و بیداری اسلامی با موضعی فعال و انقلابی پدید آمد که نقطه آغاز آن با سید جمال الدین اسدآبادی و نقطه کمال آن با امام خمینی و نظریه ولایت فقیه پدیدار شد. در این مرحله، انقلاب اسلامی در ایران نه تنها به مثابه نقطه عطف تمدنی در تحولات منطقه‌ای و در جهان ظاهر شد، بلکه سرآغاز مرحله جدید تمدنی برای امت اسلام در دنیای امروز شد. (حیدری پور، ۱۳۹۸: ۱۶-۱۵)

انقلاب اسلامی با پیروزی بر استبداد و استکبار و ایدئولوژی اسلامی در دوران قدرت شرق و غرب، توانست لیبرالیسم و مارکسیسم را به چالش بکشد و با تشکیل نظام جمهوری اسلامی، حضور اسلام را در مسائل سیاسی و اجتماعی به نمایش بگذارد لذا امید و اعتماد به نفس مسلمانان را افزود و آنها را نسبت به بازگشت به دوران طلایی اسلام امیدوارتر کرد. حضرت آیت الله خامنه‌ای معتقدند با توجه به جایگاه مهم و برتر ملت ایران در مسائل فرهنگی و تمدنی، جمهوری اسلامی ایران زمینه‌ی بسیار خوبی برای گسترش فرهنگ و تمدن انسانی برخاسته از اسلام دارد. (بیانات: ۱۳۹۱/۶/۸)

به صورت خلاصه برخی از آثا و بازتاب انقلاب اسلامی در جهان اسلام با توجه به رویکرد تمدنی عبارت است از:

۱- بیداری اسلامی و بازگشت اعتماد به نفس و خود باوری در بین مسلمین



۲- به چالش کشیدن تمدن غرب و شرق و سکولاریسم

۳- ارائه مدل حکومت اسلامی

۴- تقویت تفکر و اندیشه وحدت اسلامی و تشکیل امت اسلامی و تقویت

هویت مسلمین

۵- تقویت روحیه و ایجاد جبهه مقاومت و تقویت روحیه دشمن شناسی و

دشمن ستیزی

۶- تقویت و گسترش علوم اسلامی و علوم جدید با توجه به نیازهای مسلمین

(بومی سازی علوم)

۷- حمایت از مسلمین و مستضعفین جهان

۸- معرفی اسلام ناب و شناسایی و اجتناب از اسلام های تحریف شده مثل

اسلام آمریکایی

۹- تلاش برای ایجاد تمدن نوین اسلامی

۸- مناسک حج

در اندیشه حضرت آیت الله خامنه ای، حج یک نمودار و نمونه کوچکی از جامعه‌ی اسلامی برتر است و ایشان معتقدند حج یک نمونه‌ای از آن چیزی است که ما در تمدن اسلامی، مورد نظر داریم؛ در تمدن نوین اسلامی، معنویت در کنار مادیت، عروج اخلاقی و معنوی و روحی و تضرع و خشوع، در کنار پیشرفت زندگی مادی است؛ حج مظهر یک چنین تمدنی است. (بیانات: ۱۳۹۸/۴/۱۲)

همچنین ایشان حج را مظهر وحدت و قدرت امت اسلامی می دانند: «حج، مظهر حضور عظمت امت اسلامی است، حج مظهر وحدت است، حج مظهر یکپارچگی است؛ حج مظهر قدرت امت اسلامی است.» (بیانات: ۱۳۹۶/۵/۸)

مهم ترین ویژگی مشترک حج و تمدن نوین اسلامی جامعیت و تقارن وجودی ابعاد مادی و معنوی و فردی و اجتماعی است. و این جامعیت، ویژگی متمایز تمدن

اسلامی از تمدن های دیگر به ویژه تمدن جدید غرب به شمار می رود. و یکی دیگر از ظرفیت های تمدن حج، هویت بخشی به امت اسلامی و دشمن شناسی است، حج با تمایزگذاری تمدنی و اعلام برائت از تمدن های دیگر بویژه تمدن غربی، و تاکید بر هویت امت اسلامی و تقویت روحیه مسلمانان و ایجاد وحدت، زمینه ساز تشکیل تمدن نوین اسلامی می شود. (مهدی نژاد، ۱۴۰۱: ۲۰۰)

۹- گردهمایی زیارت اربعین امام حسین علیه السلام

پیاده روی اربعین نیز، هر ساله بخشی از جامعه آرمانی و تمدن نوین اسلامی را به تصویر کشیده و کارآمدی آموزه های دینی و وحیانی را اثبات می کند. مناسک حج و پیاده روی اربعین فرصت و ظرفیت ویژه ای برای معرفی اسلام به جهانیان و همچنین ایجاد وحدت و همدلی بین مسلمانان و تمرین و ترویج سبک زندگی اسلامی است.

به طور خلاصه برخی فرصت های تمدنی پیاده روی اربعین، بزرگترین تجمع مردمی در طول تاریخ بشریت، عبارت است از:

۱- فرصتی برای تبلیغ و معرفی اسلام به همه مردم جهان

گردهمایی زیارت اربعین بدون نیاز مستقیم به استفاده از ابزار تبلیغی و رسانه ای مجازی، خود نقش رسانه ای کامل و فراگیر را ایفا می کند. گردهمایی اربعین جدا از آنکه در حین زمان برگزاری، قلیوب و توجهات بشری را بیه سمت خود جلب میکند؛ هر کدام از شرکت کنندگان را به عنوان مبلغانی تربیت میکند که این جریان را توسعه و گسترش میدهند. (عابدینی و دیگران، ۱۳۵)

۲- اربعین فرهنگ مصلح و تحول آفرین

جریان اربعین یک حرکت تحول آفرین در مقابل فرهنگهای دیگر برافراشته است. فرهنگ اربعین نه فقط به فرهنگ مادی و غیر الهی غرب، بلکه به فرهنگ دینی و اسلامی که در حد شعار و مفهوم باقی مانده است نیز هجوم میبرد و آن را اصلاح میکند. فرهنگ اربعین در عین داشتن شمول و اطلاق که بر کل مسلمانان و



حتی غیرمسلمانان سایه می افکند و ارزش آفرینی و معنابخشی جدیدی برای زندگی فردی و اجتماعی تولید می کند، تنوعهای فرهنگی را که با ارزشهای متعالی آن سازگار است هم میبذیرد. همه افراد و اقوام با فرهنگها و زبانهای مختلف، وقتی به متن اربعین وارد میشوند همه ذیل یک فرهنگ قیرار می گیرند و با هم در این فرهنگ، متحد میشوند. (عابدینی و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۳۷-۱۳۵)

۳- زمینه ساز وحدت، برای ایجاد تمدن نوین اسلامی

تمدن، نظام مناسبات و تعاملات میان انسان ها در کلان ترین سطوح اجتماعی است که در اشکال مختلف و نهادها مختلف اجتماعی نمود پیدا می کند. آنچه در همایش اربعین رخ می دهد، هم از نظر ایمانی و هم حبی و عشقی، کارکردهای تمدنی دارد. اربعین از یک سو حرکت و تمرینی ایمانی است که موجب افزایش ایمان می شود و نظام مناسبات انسانی را تنظیم می کند و در نتیجه باعث عمران و آبادانی جامعه مسلمین می شود. از سوی دیگر، در اربعین، با تأکید بر یک محبوب واحد، محبتی نسبت به همدیگر به وجود می آید و نظام مناسبات انسانی به شکل درستی سامان می یابد. صورت بندی چنین جامعه ای بر پایه معشوق و محبوب واحد باعث می شود «من»ها و منیت ها رنگ بیازند و همه به یک «ما» تبدیل شوند (وحدت اجتماعی بر پایه معشوق مشترک).. (بابایی، بی تا: ۴۳) با وجود اختلافات قومی، فرهنگی و اجتماعی بسیار در میان زائرین حاضر در اربعین؛ این جریان با کم رنگ کردن اختلافات و تأکید بر یکسان بودن مسیر و هدف وحدت مورد نیاز در تشکیل تمدن اسلامی را تأمین میکند.

۴- عرصه ای برای تقویت معنویت و مقاومت در مقابل دشمنان

۵- تشکیلاتی گسترده برای تربیت نیرو و مقدمه سازی برای ظهور

نهضت امام زمان به عنوان نقطه اوج تمدن اسلامی، نهضتی جهانی است. جریان عاشورا نهضتی شیعی، اسلامی و انسانی است. لذا سه نوع مخاطب دارد. جریان اربعین مومنین را به کمال در ایمان میرساند، مسلمانان را به ایمان رهنمون میسازد، و

سایر افراد انسانی را به اسلام و ایمان هدایت میکند. با این رویکرد، اربعین وحدت فراملیتی و فرامرزی ایجاد میکند. این حرکت جهانی دلها را با پذیرش «حبّ الحسین» مهیای پذیرش ظهور حضرت حجت عج میکند. همچنین جریان اربعین، با توجه به ابعاد گسترده و وسیع خود، جریان تشکیلاتی عظیمی برای تربیت نیرو و کادرسازی است. (عابدینی و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۴۱-۱۴۰)

وضعیت کنونی جهان اسلام

به رغم سهم قابل توجه مسلمانان از جمعیت و منابع مادی جهانی، در حال حاضر سهم آنان از اقتصاد، سیاست، علم و فناوری جهانی چندان قابل توجه نیست. با وجود عضویت بیش از پنجاه و شش کشور مسلمان در سازمان ملل، نمایندگان کشورهای اسلامی تأثیر چندانی بر تصمیمات جهانی ندارند و حتی مجموعه بزرگتری مانند سازمان کنفرانس اسلامی نیز به دلیل اختلافات درونی، نقش تأثیرگذاری در مسایل جهانی و منطقه ای ایفا نمی کند.

با توجه به جایگاه مهم انرژی در تحولات سیاسی و اقتصادی جهان، کشورهای اسلامی از ابزار بسیار قدرتمندی در این زمینه برخوردارند؛ اما متأسفانه در طول دهه های گذشته به دلیل تسلط قدرتهای بزرگ بر بسیاری از کشورهای اسلامی، این کشورها جز در موارد اندکی نتوانسته اند از این ابزار در جهت حفظ و تأمین منافع مشروع خود بهره ببرند. از سوی دیگر به دلیل وابستگی سیاسی و فساد داخلی، این ابزار در خدمت رشد و توسعه مسلمانان قرار نگرفته و مسلمانان به رغم بهره مندی از منابع عظیم نفت و گاز، در سطوح پایینی از رشد و توسعه اقتصادی و همچنین در زمینه مسائل علمی و فناوری های پیشرفته قرار دارند. (عباسی و خزائیلی، ۱۴۰۱: ۲۵۶)

یکی از معضلات موجود، ضعف بینش سیاسی برای وحدت است. برخی از کشورهای اسلامی بر این اعتقادند که منافعشان از طریق ارتقای روابط با غرب زیر چتر تولیدات تکنولوژی، آموزش، بازار و امنیت غربی بهتر تأمین می شود. بی ثباتی



سیاسی در کشورهای اسلامی و تهدید جنگ های داخلی و منطقه ای، بعضی از کشورها را به معضل ناامنی دچار کرده است و در نتیجه، آنها برای حمایت به غرب، خصوصا آمریکا متوسل شده اند. این مسأله همچنین موجب شده است که بسیاری از کشورهای اسلامی برای تأمین امنیت خود به خرید انواع تسلیحات از کشورهای غربی روی آورده اند.

نیاز قدرتهای جهانی به منابع انرژی روز به روز در حال افزایش است لذا قدرتهای جهانی تصرف منابع ارزان انرژی در جهان اسلام را جزء استراتژی های بلندمدت خود میدانند. نفت و منابع انرژی برای غرب مسئله مرگ و زندگی است به طوری که اگر این قدرتها به منابع ارزان انرژی در منطقه جهان اسلام دسترسی نداشته باشند، ساختار هرم قدرت در جهان دچار دگرگونی و تغییرات اساسی خواهد شد.

قدرتهای غربی برای جلوگیری از همگرایی و وحدت در جهان اسلام با هدف جلوگیری از قدرتمند شدن تمدن اسلامی در مقابل غرب، حفظ جهان غرب به عنوان بازار مصرف کننده کالا و تسلیحات غربی و دسترسی آسان به منابع انرژی روز به روز حضور خود را در جهان اسلام پررنگتر کرده اند.

قدرتهای جهانی برای تصرف منابع انرژی از ابزارهای مختلفی استفاده کرده اند. نهادهای رسمی بی المللی کمک زیادی به ای قدرتها برای دستیابی به منابع انرژی کرده است. قدرتهای جهانی نهادهایی از جمله سازمان ملل متحد و شورای امنیت را برای این هدف بکار گرفته اند. ابزار تحریم امروزه به یکی از ابزارهایی برای جلوگیری از ایجاد اتحاد منطقه ای و تشدید تنشهای منطقه ای و رقابت های ناسازگار تبدیل شده است. نمونه روشن آن تحریمهای غرب و آمریکا بر ضد ایران است. از سوی دیگر با سیاست های غیررسمی، تنشهای منطقه ای را تشدید کرده اند تا بتوانند به اهداف ژئواکونومیکی خود دست یابند. جنگ عراق، سوریه و پدیده

تروریسم در این مقوله معنا پیدا میکند. این قدرت ها با تضعیف ساختارهای سیاسی منطقه و در صورت لزوم با حمله نظامی به بهانه های غیرمنطقی اهداف خود را در منطقه دنبال کرده اند. نمونه برجسته این وضعیت پدیده داعش بود. پدیده داعش سبب شد که حکومت های ملی عراق و سوریه تضعیف شده و با درگیر کردن مردم با پدیده جنگ و مسائل امنیتی از یکسو منابع انرژی را به آسانی بدست آوردند و از سوی دیگر با تسلیح کردن گروه های قومی و مذهبی در صدد فروش تسلیحات نظامی خود برآمده اند تا بتوانند در یک معامله کالا به کالا منابع انرژی منطقه را در ازای فروش تسلیحات تصرف کنند. جهان اسلام به بازاری خوب برای فروش تسلیحات غرب تبدیل شده است. (احمدی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۴-۱۲)

کشورهای جهان اسلام می توانند با توجه به داشتن تهدیدات و دشمنان مشترک، از این پدیده را تبدیل به یک فرصت برای همگرایی و اتحاد و حرکت جدی تر به سمت ایجاد تمدن اسلامی استفاده کنند. اما امروزه بر اساس برخی آمارها در حدود دو سوم فروش تسلیحات به کشورهای در حال توسعه انجام می شود و در این میان، منطقه غرب آسیا بزرگترین خریدار آن است. در طی سی سال گذشته، هزینه های نظامی جهان عرب به تنهایی به صدها میلیارد دلار بالغ میشود. مسلمانان حدود ۱۰ الی ۱۵ درصد تولید ناخالص ملی خود را به نیروی نظامی اختصاص می دهند که این رقم در سایر کشورهای جهان چهارونیم درصد است. در کنار مسائل و مشکلات داخلی کشورهای اسلامی، رقابت و برتری جویی قدرتهای جهان در مناطق استراتژیکی همچون خاورمیانه و خلیج فارس نیز مشکلات و گرفتاری های زیادی را برای کشورهای منطقه ایجاد کرده است؛ اشغال و حضور نظامی در افغانستان و عراق را می توان از این دست برشمرد که نتایج ناگواری برای منطقه در بر داشته است. (عباسی و خزائیلی، ۱۴۰۱: ۲۵۷)

به علاوه، فشار کشورهای غربی و تحریم اقتصادی و مالی نیز یکی دیگر از مشکلاتی است که بخشی از مسلمانان با آن مواجه می باشند. طبق آمار کمیساریای



عالی حمایت از پناهندگان ملل متحد، بالغ بر سیصد میلیون نفر مسلمان تحت شرایط بسیار سخت اقتصادی با حمایت سازمان ملل متحد زندگی می کنند که این وضعیت، مرگ هزاران نفر بی گناه را باعث میشود و تأثیر ویرانگری بر وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جوامع کشورهای درگیر دارد. به علاوه مسلمانان بی پناه و آواره در جهان بیشتر از هر گروهی هستند.

چالش های اقتصادی جهانی، شاید بزرگترین چالش پیش روی مسلمانان، در وضعیت جهانی شدن باشد، فقدان ساختارهای صنعتی و تجاری قدرتمند، کشورهای اسلامی را در روند رقابت جهانی برای کسب بازارهای بیشتر دچار مشکل ساخته است.

علاوه بر این، اختلافات قومی - فرقه ای در میان مسلمانان که اغلب توسط قدرتهای بیرونی دامن زده می شود، یکی دیگر از چالش های کنونی مسلمانان به حساب می آید. گسترش احساسات افراطی ملی گرایانه در کنار اختلافات ارضی کشورهای اسلامی و از همه مهم تر مسأله دامن زدن به اختلاف میان شیعیان و اهل تسنن، یکی از بزرگترین معضلاتی است که در حال حاضر گریبان گیر جوامع اسلامی می باشد. در سالهای اخیر بهبود نسبی موقعیت شیعیان در لبنان و عراق موجب نگرانی برخی قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای گردیده و در نتیجه به تشدید تلاشهای آنان از طریق افزایش تنش و اختلاف میان شیعیان و اهل تسنن منجر شده است.

از سوی دیگر، امروزه برداشت های مختلف و گاه افراطی از اسلام، زمینه ایجاد اسلام هراسی را در جهان ایجاد کرده و منجر به دخالت ابرقدرت ها در برخی از کشورهای اسلامی بیش از گذشته فراهم کرده است. برای نمونه پیدایش نیروهای تندرو همانند داعش و نیز نگاه افراطی طالبان به اسلام و مغایرت رفتار آنها با اصول منطقی اسلام، بهانه ای برای کشورها و رسانه های غربی شده تا اسلام را مورد حمله

شدید قرار دهند. عده ای هم در غرب با استفاده از ابزار تبلیغات، اعمال خلاف اسلام و خشونت بار برخی مسلمان نمایان را به اسلام منتسب، و تلاش نمودند تا آن چه اتفاق افتاده را واقعیت جهان اسلام معرفی کنند و به تشدید سیاست اسلام هراسی خود در جهان کمک نمایند.

اگر چه هدف نهادهایی چون سازمان کنفرانس اسلامی تلاش برای گسترش وحدت و تفاهم بین دولتهای عضو است، اما کشورهای اسلامی از اختلافات درونی زیادی رنج می برند. در این میان حتی معضل و فاجعه بزرگی مانند فلسطین نیز نتوانسته است در کاهش این اختلافات نقش مؤثری ایفا کند. رفتارهای دوگانه برخی از کشورهای اسلامی در این زمینه تاکنون امکان دستیابی به یک وحدت رویه را در میان کشورهای اسلامی دشوار ساخته است.

راهکار: همگرایی و اتحاد و زمینه سازی ایجاد تمدن نوین اسلامی

کشورهای اسلامی از یک سو نیازمند اتخاذ سیاست های اقتصادی مؤثر و منطقی به منظور افزایش قدرت رقابت پذیری در سطح داخلی هستند و از سوی دیگر باید ساز و کارهای همکاری را در میان خود تقویت نمایند. همکاری های اقتصادی در این زمینه باید از طریق ایجاد اتحادیه های گمرکی، توافقات دوجانبه و چندجانبه، مناطق آزاد تجاری و گروه های منطقه ای صورت گیرد. مسلمانان برای افزایش قدرت اقتصادی جهانی در معاملات بازرگانی و میزان تأثیرگذاری بر نوسانات بازار جهانی، باید بتوانند استانداردهای بین المللی را رعایت و مهارتهای لازم را در حیطه مزیت نسبی کسب کنند.

در حال حاضر کشورهای جهان اسلام، به تنهایی توانایی مقابله با فشارهای بازیگران قدرتمند جهانی را ندارند. از این رو با توجه به آنچه بیان شد و با توجه به شرایط منطقه ای کشورهای جهان اسلام، نیاز فوری به تأسیس و گسترش سازمان های منطقه ای، مثل بانک توسعه اسلامی، برای افزایش رقابت و هدایت صحیح سرمایه های موجود، وجود دارد. پیگیری سیاست همکاری بین مسلمانان و تنظیم



سیاست های مشترک، منافع منطقه ای و جهانی آنها را تضمین می کند. یکی از راه های کسب قدرت و افزایش آن، همگرایی و ایجاد نهادهای فراملی در جهان اسلام است. در واقع، از زمان استقرار سیستم دولت-ملت در سرزمین های اسلامی، طرح های مختلفی برای همگرایی ارائه گردیده که در عمل، برخی به شکست انجامیده و برخی دیگر، به امید موفقیت های آینده به فعالیت خود ادامه داده اند. این ناکامی به دلیل شرایط متفاوتی است که در کشورهای اسلامی حاکم است. در واقع، موانع بزرگی چون استبداد داخلی، اختلافات سیاسی، ملی گرایی افراطی، بی ثباتی سیاسی، رقابت های منطقه ای، استعمار و صهیونیسم بر سر راه همگرایی جهان اسلام وجود دارد که بسیاری از آن ها در جوامع آزاد غرب مشاهده نمی شود. در این میان، استبداد داخلی و سلطه استعمار از مهم ترین عوامل اخلاص در روند همگرایی جهان اسلام محسوب می شوند، عواملی که خود زمینه ساز بروز و تقویت سایر موانع همگرایی در میان کشورهای اسلامی هستند. نتیجه اینکه اتکای صرف بر نظریه های رایج همگرایی برای تحقق این هدف در میان کشورهای اسلامی کافی به نظر نمی رسد. در واقع، جوامع اسلامی نیازمند الگویی اند که بتواند موانع یادشده را با قدرت از سر راه آن ها بردارد. این الگو جز در سایه نظریه اسلام فراهم نمی گردد. اسلام فراتر از نظریه های معمول همگرایی و به عنوان بزرگ ترین عامل پیوند دهنده میان مسلمانان می تواند با حذف عوامل تفرقه، جهان اسلام را در مسیر وحدت و همگرایی قرار دهد. (ولایتی و محمدی، ۱۳۸۹: ۱۵۱)

مسلم آن که تعریف مشترک از هویت و منافع، عامل اصلی ایجاد یکپارچگی و وحدت درونی جهان اسلام می باشد. رفع اختلافات موجود، که اساسا ریشه در سنتهای دیرین و مطرود دارد، خود احساس همبستگی و اتحاد می باشد. به عبارت دیگر، ابعاد سیاسی دین مبین اسلام به قدری گویا، واضح و روشن می باشد که صرف نظر از ایجاد هرگونه ساختاری قادر خواهد بود تا امت اسلام را به طور خود

جوش، در مسیری که باید بپیماید، قرار دهد. در این سپهر است که می توان با تعریفی عام تر از «بیداری اسلامی» به ظرفیت های تمدنی جهان اسلام نظر داشت و با انتقال تجربیات کشورهای اسلامی و شکل گیری روابط منسجم بین کشورها امیدوار بود که جهان اسلام به سوی بهره مندی از ظرفیتهای تمدنی برشمرده دست یابد. در این راستا جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی با ایجاد گفتمان تمدنی جدید در پی ایجاد تمدن نوین اسلامی است که مبانی آن برخاسته از قرآن و سیره اهل بیت (ع) است و به بازتعریف تمدن اسلامی بر مبنای اسلام اصیل و مبانی شیعی می پردازد و گفتمان تمدن نوین اسلامی به عنوان گفتمان مطلوب جامعه اسلامی عرضه شده است و این گفتمان می تواند الگوی مناسبی برای جامعه اسلامی باشد.

حضرت آیت الله خامنه ای برای ایجاد وحدت اسلامی و حرکت به سمت ایجاد تمدن اسلامی راهکاری عملیاتی و گام به گام به کشورهای جهان اسلام پیشنهاد می دهند:

«اتحاد دنیای اسلام مراتبی دارد؛ پایین ترین مرتبه اش این است که جوامع اسلامی، کشورهای اسلامی، دولتهای اسلامی، اقوام اسلامی، مذاهب اسلامی، علیه هم دست به تعرض نزنند، با هم معارضه نکنند، به یکدیگر ضربه نزنند؛ این قدم اول است. البته بالاتر از این، این است که دنیای اسلام علاوه بر اینکه به یکدیگر ضربه نمیزنند، در مقابل دشمن مشترک هم دست به دست هم بدهند، اتحاد واقعی و کافی داشته باشند، از یکدیگر دفاع کنند. این هم یک قدم بالاتر است؛ از این بالاتر هم این است که کشورهای اسلامی، ملتهای اسلامی هم افزایی کنند. کشورهای اسلامی از لحاظ علمی، از لحاظ ثروت، از لحاظ امنیّت، از لحاظ قدرت سیاسی در یک سطح نیستند، میتوانند به یکدیگر کمک کنند، هم افزایی کنند، آنهایی که بالاترند در هر بخشی، دست آن کسانی را که پایین تر هستند بگیرند؛ این هم یک مرحله ای از وحدت است. مرحله ی بالاتر هم این است که همه ی دنیای اسلام متحد بشوند در



جهت رسیدن به تمدن نوین اسلامی. این چیزی است که جمهوری اسلامی هدف غایی قرار داده: رسیدن به تمدن اسلامی، منتها تمدن متناسب با این زمان، تمدن نوین اسلام. اینها مراتب وحدت است. (بیانات: ۱۳۹۸/۸/۲۴)

نتیجه گیری

با آشکار شدن قدرت جهان اسلام، علی الخصوص از جایگاه فرهنگ، تمدن و هویت، در چند دهه گذشته و بویژه با پیروزی انقلاب اسلامی ایران که هدف خود را ایجاد تمدن نوین اسلامی می‌داند، بخش مهمی از معادلات جهانی، بلکه بسیاری از مسائل راهبردی نظم جهان، با هویت دنیای اسلام مرتبط شده است. بر این اساس در این دوران حساس تاریخی که نظام بین الملل در حال تغییر و تحول و قدرت تمدن غرب و لیبرالیسم رو به افول است، شناخت ظرفیتهای مهم دنیای اسلام، ضرورت بیشتری پیدا می‌کند. حضرت آیت الله خامنه ای در این زمینه می‌فرماید:

«امروز هدف هر مسلمان باید ایجاد تمدن اسلامی نوین باشد؛ ما امروز این را می‌خواهیم. ملت‌های اسلامی ظرفیتهای عظیمی دارند که اگر از این ظرفیتهای استفاده شود، امت اسلامی به اوج عزت خواهد رسید؛ ما باید به این بیندیشیم، به این فکر کنیم؛ ایجاد تمدن عظیم اسلامی، هدف نهایی ما است.» (بیانات: ۱۳۹۸/۶/۲۷)

جهان اسلام که نقطه مرکزی آن در منطقه جنوب غرب آسیا واقع شده است از ظرفیتهای ژئواستراتژیک، ژئوکالچر، ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک فوقالعادهای برخوردار است که برخی از این ظرفیتهای عبارت است از: داشتن بیش از یک پنجم جمعیت جهان، وسعت جغرافیایی، منابع و معادن سرشار، معارف علمی و عقلی اسلام در پاسخ به نیازها مختلف بشر و شبکه روحانیون و دانشمندان مسلمان، تنوع

زبانی مسلمانان و توان ارتباط با تمامی ساکنان کره زمین، امت گرایی که در عین به رسمیت شناختن هویت های قومی و ملی این قابلیت را دارد که همه مسلمانان را ذیل هویت اسلامی، همدل و متحد کند. انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی با کارنامه تمدنی قابل توجه، مناسک حج و گردهمایی عظیم زیارت اربعین.

اگر از این ظرفیتهای عظیم به شکل صحیح استفاده شود، امت اسلامی به اوج عزت خواهد رسید و روند ایجاد تمدن عظیم اسلامی که هدف نهایی انقلاب اسلامی است تسریع خواهد شد.

اما متأسفانه در طول دهه های گذشته به دلیل تسلط قدرتهای بزرگ بر بسیاری از کشورهای اسلامی، حکومت های فاسد و وابسته و وجود اختلاف و تفرقه در جهان اسلام، از این ظرفیتهای خوبی استفاده نشده است.

قدرتهای غربی برای جلوگیری از همگرایی و وحدت در جهان اسلام با هدف جلوگیری از قدرتمند شدن تمدن اسلامی در مقابل غرب، حفظ جهان غرب به عنوان بازار مصرف کننده کالا و تسلیحات غربی و دسترسی آسان به منابع انرژی روز به روز حضور خود را در جهان اسلام پررنگتر کرده و به اختلافات دامن می زنند.

کشورهای جهان اسلام، به تنهایی توانایی مقابله با فشارهای بازیگران قدرتمند جهانی را ندارند. از این رو با توجه به آنچه بیان شد بهترین راه همگرایی، اتحاد و حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی است.

می توان با تعریفی عام تر از «بیداری اسلامی» به ظرفیت های تمدنی جهان اسلام نظر داشت و با انتقال تجربیات کشورهای اسلامی و شکل گیری روابط منسجم بین کشورها امیدوار بود که جهان اسلام به سوی بهره مندی از ظرفیتهای تمدنی برشمرده دست یابد. در این راستا جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی با ایجاد گفتمان تمدنی جدید در پی ایجاد تمدن نوین اسلامی است که مبانی آن برخاسته از قرآن و سیره اهل بیت (ع) است و به بازتعریف تمدن



اسلامی بر مبنای اسلام اصیل و مبانی شیعی می‌پردازد و گفتمان تمدن نوین اسلامی به عنوان گفتمان مطلوب جامعه اسلامی عرضه شده است و این گفتمان می‌تواند الگوی مناسبی برای جامعه اسلامی باشد.

حضرت آیت الله خامنه‌ای برای ایجاد وحدت اسلامی و حرکت به سمت ایجاد تمدن اسلامی راهکاری عملیاتی و گام به گام، به کشورهای جهان اسلام پیشنهاد می‌دهند:

۱- جوامع اسلامی، کشورهای اسلامی، دولت‌های اسلامی، اقوام اسلامی، مذاهب اسلامی، علیه هم دست به تعرض نزنند، با هم معارضه نکنند، به یکدیگر ضربه نزنند.

۲- در مقابل دشمن مشترک دست به دست هم بدهند، اتحاد واقعی و کافی داشته باشند، از یکدیگر دفاع کنند.

۳- کشورهای اسلامی، ملت‌های اسلامی هم‌افزایی کنند. کشورهای اسلامی از لحاظ علمی، از لحاظ ثروت، از لحاظ امنیت، از لحاظ قدرت سیاسی در یک سطح نیستند، میتوانند به یکدیگر کمک کنند، هم‌افزایی کنند.

۴- همه‌ی دنیای اسلام متحد بشوند در جهت رسیدن به تمدن نوین اسلامی. این چیزی است که جمهوری اسلامی هدف غایی قرار داده است. (بیانات: ۱۳۹۸/۸/۲۴)



فهرست منابع

قرآن

۱. احمدی سید عباس و رنجبری کمال و شریفی، عبدالله «نقش قدرت های فرامنطقه ای در بحران های ژئوپلیتیکی جهان اسلام، فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام»، ش ۳ (بهار ۱۳۹۹)، صص ۱-۲۳
۲. آقایی، سید داود و حسینی، سید محمود، «چشم اندازی بر ژئوپولیتیک جهان اسلام در بازی قدرت و رهبری جهانی؛ فرصت ها و چالش ها (با تاکید بر توان و ظرفیت های ژئوپولیتیکی جمهوری اسلامی ایران)»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، ش ۳۶ (بهار ۱۳۹۳)، صص ۷۰-۴۹
۳. بابایی، حبیب الله (بی تا)، «مدنیت و معنویت در اربعین»، <http://kms.bou.ac.ir>
۴. جهان بین فرزاد و معینی پور مسعود، «فرآیند تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر حضرت آیت الله خامنه ای»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، ش ۳۹، زمستان ۱۳۹۳، صص ۴۶-۲۹
۵. جهان بین، فرزاد و پرتو، فتح الله، «سناریوهای آینده نظام بین الملل و جایگاه جهان اسلام، فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست»، ش ۱۳ (تابستان ۱۳۹۴)، صص ۱۴۷-۱۶۸
۶. حافظ نیا، محمدرضا و زرقانی سید هادی، «چالش های ژئوپلیتیکی همگرایی در جهان اسلام، فصلنامه پژوهش های جغرافیای انسانی»، ش ۸۰، (تابستان ۱۳۹۱)، صص ۱۵۴-۱۳۹
۷. حیدری پور، عباس (۱۳۹۸)، کارنامه تمدنی جمهوری اسلامی ایران (چکیده کتاب عیار تمدنی جمهوری اسلامی ایران)، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
۸. خامنه ای، سید علی، مجموعه بیانات حضرت آیت الله خامنه ای.



۹. زرقانی سید هادی و دبیری، علی اکبر، «فرصت های ژئوپلیتیک جهان اسلام در سازمان کشورهای صادرکننده گاز»، پژوهش نامه ایرانی سیاست بین الملل، شماره ۳ (پاییز و زمستان ۱۳۹۲)، صص ۷۰-۹۴
۱۰. عابدینی، محمدرضا و ضیائی نیا، محمدحسین، زهرا حصارکی، «تحلیل تمدنی جریان اربعین، فرصتها و چالشها»، فصلنامه تمدن پژوهی، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱، صص ۱۲۹-۱۵۲
۱۱. عباسی علی اکبر و خزائیلی محمداقرا (۱۴۰۱)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی (با تأکید بر رشد و گسترش علوم)، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۲. کاظم پور زکریا و معدنی، جواد، «ظرفیتهای راهبردی جهان اسلام در هندسه جهانی قدرت»، فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام - سال اول، شماره دوم، زمستان ۱۳۹۸، صص - ۱۰۵ - ۷۶
۱۳. گلی زواره، غلامرضا (۱۳۹۰)، جغرافیای جهان اسلام آشنایی با کشورهای اسلامی و قلمرو اقلیتهای مسلمان، قم، موسسه امام خمینی.
۱۴. مستوفی الممالکی، رضا، «جهان اسلام و نحوه توزیع سرزمین ها و جمعیت اسلامی»، فصلنامه علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء، شماره ۴۳ (پاییز ۱۳۸۱)، صص ۱۶۲-۱۸۳
۱۵. مهدی نژاد، سید رضا، «واکاوی وجوه ارتباط و اشتراک حج و تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت الله خامنه ای»، دو فصلنامه پژوهش های گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی، شماره ۳، شهریور ۱۴۰۱، صص ۱۷۷-۲۰۲
۱۶. ولایتی علی اکبر و سعیدمحمدی، رضا، «تحلیل تجارب همگرایی در جهان اسلام»، دو فصلنامه دانش سیاسی، بهار و تابستان ۱۳۸۹، شماره ۱.

